

مهرماه ۱۳۹۸

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

۱۳۹۸ خرداد

آن صحن بزرگ مسجد شاه در بازار بود و جمعیت عظیمی تا خیابان بوذرجمهری (۱۵ خرداد) در میتینگ شرکت کردند. بنابراین، همه این‌ها پیش از آن است که آقای خمینی از عراق به کویت و سپس پاریس بروند، در مرکز اخبار قرار بگیرند و هدایت انقلاب توسط ایشان انجام شود. به تدریج وقایع مختلفی رخ داد که این موج جنبش ایجاد شده میان مردم را بزرگ‌تر می‌کرد. سرکوب‌هایی که رخ داد از جمله در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بود. من روز ۱۷ شهریور در میدان ژاله حضور داشتم. دیدم که مسلسل گذاشته بودند و مردم را به رگبار بستند. اما این سرکوب‌ها نتیجه نمی‌دهد و رخدادهای بعدی رقم می‌خورد.

«انقلاب و اختلافاتی که اعضای جبهه ملی در حکومت داشتند، بارها مطرح شده اما نقطه اوجی وجود دارد که در ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ رخ می‌دهد؛ علتش چه بود؟

جبهه ملی ایران از همان روزهای نخستین پس از انقلاب به علت اختلاف دیدگاه‌ها، با قدرتمندان زاویه پیدا کرد. پس از انقلاب صدمه خوردن به میزان تولید رکشور، و شروع تحریم‌ها پس از اشغال سفارت آمریکا، افول و پسرفت اقتصادی آغاز شد که به‌ویژه پس از جنگ با عراق شدت یافت. همچنین فقدان آزادی‌ها، قلع و قمع احزاب و اجتماعات و مطبوعات و انحصارطلبی کسانی که اهرم‌های قدرت را در دست داشتند، صورت پذیرفت. جبهه ملی ایران مخالفت خود را با این روندها ابراز کرد. در دوم آذرماه ۱۳۵۹ طی یک بیانیه که به صورت یک جزوه ۴۰ صفحه‌ای منتشر کرد، نسبت به مسائل گوناگون کشور، از اشغال سفارت آمریکا و تبعات آن و شروع جنگ عراق با ایران تا تعطیلی دانشگاه‌ها، اشاعه فساد، گرانی و تورم و بیکاری انتقاد کرد. در تاریخ نهم خرداد ۱۳۶۰ جبهه ملی ایران طی نامه‌ای که به وزیر کشور، آقای مهدوی کنی نوشت در خواست برگزاری یکی تجمع در ساعت ۴ بعدازظهر روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ ا مطرح نمود. این نامه با امضای آقای دکتر مهدی آذر رئیس هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران فرستاده شد که البته از طرف دولت پاسخی به آن داده نشد. ۱۰ روز بعد یعنی روز ۱۹ خرداد بیانیه جبهه ملی ایران مبنی بر دعوت از مردم به گردهمایی اعتراضی در عصر روز ۲۵ خرداد انتشار یافت. علت این گردهمایی، اعتراض به تعطیلی دانشگاه‌ها، اعتراض به نادیده گرفتن حقوق اولیه زنان و حجاب اجباری، اعتراض به گرانی و تورم و بیکاری و اعتراض به لوایح دولت بود؛ لویحی که دولت به مجلس ارائه کرده بود شامل چند لایحه بود مانند لایحه بازسازی نیروی انسانی که به موجب آن قرار بود کارجوینان دولت که در رژیم سابق استخدام شده بودند از کار اخراج و به‌جای آنان افراد جدیدی به کار گمارده شوند. لایحه احزاب که برای احزاب و تشکل‌ها ایجاد محدودیت و مانع‌تراشی می‌کرد. لایحه بودجه که اشکالات و انتقادات فراوانی نسبت به آن وجود داشت. لایحه دیگر هم لایحه قصاص بود. در مورد این لایحه‌ما می‌گفتیم که اگر این یک لایحه است و برای بحث و بررسی از طرف دولت به مجلس داده شده، پس احزاب و جمعیت‌ها نیز حق دارند و می‌توانند نسبت به آن بحث و اظهارنظر نمایند. اگر یک واجب شرعیست که بحث و تصویب آن در مجلس چه وجهی می‌تواند داشته باشد؟ یکی دوروز بعد محل میتینگ میدان فردوسی و مسیر راهپیمایی به طرف دانشگاه تهران اعلام شد. در شامگاه روز ۲۴ خرداد جلسه فوق‌العاده‌ی مشترک هیئت رهبری و هیئت اجرائیه جبهه‌ملی ایران، در مکانی غیر از محل همیشه‌گی آن تشکیل گردید. در این جلسه تاریخی تمام پنج نفر از اعضای هیئت رهبری، آقایان دکتر سنجدلی، ادیب برومند، اصغر پارسا، علی اردلان و دکتر یوسف جلالی حضور داشتند. از اعضای هفت‌نفره هیئت اجرائیه، پنج تن حاضر بودند و دو نفر یعنی آقایان محمودیان و دکتر ور جاوند غایب بودند. حاضران هیئت اجرائیه آقایان دکتر مهدی آذر، دکتر مسعود حجازی، قاسم‌لیاسچی، مهدی غضنفری و خودم حسین موسویان.

آقای دکتر سنجدلی رئیس هیئت رهبری، شروع به صحبت کرد و گفت که آقای حاج سیداحمد خمینی با ایشان تماس گرفته و از ایشان خواسته‌اند که برنامه میتینگ و راهپیمایی را لغونمایند و آقای دکتر سنجدلی پاسخ داده که اولاً ما از چندین روز قبل به وزارت کشور نامه نوشته‌ و در خواست مجوز کرده‌ایم و از مردم دعوت نموده‌ایم و حالا چگونه می‌توانیم دعوت را لغو کنیم و ثانیاً چطور می‌توانیم لغو شدن را به اطلاع مردم برسانیم. آقای احمد خمینی پاسخ داده بود که شما اطلاعیه لغو را ننویسید و به من بدهید ما می‌دهیم به رادیو و تلویزیون چندین بار بخوانند و مردم را از لغو مراسم باخبر کنند. اگر شما مراسم را لغو نکنید با شمار خورد خواهد شد. دکتر سنجدلی در جواب آقای احمد خمینی گفته بود که تصمیم به برگزاری میتینگ و راهپیمایی در جمع هیئت رهبری و هیئت اجرائیه جبهه ملی گرفته شده و من به تنهایی نمی‌توانم این تصمیم را لغو نمایم. در آن جمع ۱۰ نفره هیچ‌کس با لغو شدن میتینگ و راهپیمایی موافقت نکرد. دکتر سنجدلی هم شخصاً ابراز کرد که من هم با همه آقایان هم‌عقیده‌ام و با لغو مراسم موافق نیستم. در همان روز سخنرانی آقای امام‌آخینی از رادیو و تلویزیون پخش شد و ارتداد جبهه ملی به علت مخالفت با قصاص اعلام شد. ما تنظیمات لازم را انجام دادیم و برای اطلاع‌رسانی به زیرشاخه‌ها و آماده شدن برای اداره میتینگ عصر متفرق شدیم. عصر روز ۲۵ خرداد با وجود هزاران نفر برنامه با حضور و درگیری نیروهای امنیتی به هم خورد و برخی سران جبهه ملی بازداشت شدند.

«بعد از روز ۲۵ خرداد برای اعضای ارشد جبهه ملی ایران چه حوادثی روی داد؟

از ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ اعضای هیئت رهبری و هیئت اجرائیه جبهه ملی همگی مخفی شدند. پس از مدتی برخی از این اعضاء مانند دکتر سنجدلی، دکتر آذر و قاسم لیاسچی به طور مخفی از کشور خارج شدند و تا پایان عمر در هجرت به سر بردند. پس از چندی چند نفر مانند اصغر پارسا، دکتر مسعود حجازی، علی اردلان، مهدی غضنفری و دکتر پرویز ور جاوند بازداشت شده و هر یک مدتی از یک تا سه سال را در زندان به سر بردند. برخی از اعضای شورای مرکزی مانند تیمسار ناصر جمشلی، ابوالفضل قاسمی، حسن خرمشاهی و دکتر

سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۷۳۹

www.hammihanonline.ir

اسدالله مبشری نیز بازداشت گردیده و مدتی زندانی شدند...من از همان روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ که زندگی مخفی را شروع کردم تا بیش از یک‌سال مخفی بودم. مطبم تعطیل بود و به بیمارستان هم نمی‌رفتم. شایعاتی هم پراکنده شده بود که من هم به خارج از کشور رفته‌ام. من مدتی در منزل اقوام وبستگان سکونت داشتم و مدتی هم به تناوب در خارج از تهران و در شمال به سر بردم ولی در همان دوران اختفا نیز با آقایان اصغر پارسا و دکتر مسعود حجازی قائم‌مقام‌های هیئت رهبری و هیئت اجرائیه که آن‌ها هم مخفی بودند و همچنین آقای ادیب برومند دیدار هایی داشتم. پس از یک سال و بعد از آنکه اولین زندانیان جبهه ملی را آزاد کردند، من به منزل برگشتم و کم کم کارم را نیز شروع کردم و به کمک تشکیلات هم آمدم. البته بعد از ۲۵ خرداد و موضوع ارتداد، بلافاصله دونفر قائم‌مقام هیئت‌های رهبری و اجرائیه مسئول جدید تشکیلات را منصوب کردند که کار اداره تشکیلات را به عهده گرفت و فعالیت سازمان‌های جبهه ملی ایران را ولو به شکل محدود و ادغام شده، ادامه داد. این شخص آقای مهدی مؤیدزاده بود که قبل از ۲۵ خرداد مسئول سازمان جوانان جبهه ملی ایران بود. این کمیته تشکیلات زیر نظر آقای مؤیدزاده اداره جلسات تشکیلاتی و انتشارات را تا مدت‌ها انجام می‌داد... بنا بر این فعالیت جبهه ملی ایران در این دوره که از ۲۲ خرداد۱۳۵۶ تا نوشتن نامه سه‌امضایی به شاه شروع شده بود تا امروز هیچ‌گاه متوقف نشده و یکسره ادامه یافته است. در سال ۱۳۷۲ زمانی که آقای مهندس کاظم حسینی رئیس شورا و آقای دانشپور نایب رئیس شورا به رحمت ایزدی پیوسته بودند، آقای ادیب برومند عضو پیشکسوت شورا یکی از اعضای هیئت‌رهبری به دعوت از باقی مانده اعضای شورای مرکزی بدون حذف یا افزودن حتی یک نفر مبادرت کرد. در اولین جلسه در منزل آقای حسن شهیدی که باز ۱۴ نفر در آن حضور داشتند آقای ادیب برومند به سمت ریاست شورا و شش نفر مرکب از آقایان ادیب برومند، علی اردلان، دکتر حسین موسویان، دکتر پرویز ور جاوند، حسن لیاسچی و حسین شاه‌حسینی به عنوان هیئت اجرائیه انتخاب شده به فعالیت منظم تشکیلاتی مشغول شدند. در این هیئت اجرائیه این‌جانب به سمت مسئول تشکیلات انتخاب شدم...در فروردین‌ماه ۱۳۷۴ انتشار نشریه درون تشکیلاتی پیام جبهه ملی ایران به عنوان جایگزین روزنامه رسمی پیام جبهه ملی آغاز شد که همچنان ادامه دارد و چندروز قبل شماره ۲۲۳ آن منتشر شد. این هیئت شش نفره بعداً با افزودن شدن دکتر مسعود حجازی و مهندس نظام‌الدین موحده به هشت نفر افزایش یافت و تا پلنوم الهیار صالح به کار خود ادامه داد.

«جران پلنوم الهیار صالح چه بود؟ در چه تاریخ و چگونه تشکیل گردید؟

در طی ۱۰ سال به تدریج تشکیلات جبهه ملی ایران گسترده‌تر شده بود. خیلی از سازمان‌های ۱۶گانه و سازمان‌های شهرستان‌ها شکل گرفته بودند. لذا در سال ۱۳۸۰ موضوع برپایی پلنوم در تشکیلات جبهه ملی ایران مطرح گردید. پلنوم جبهه ملی ایران که به نام «پلنوم الهیار صالح» نامیده شده بود، در ساعت ۹ صبح روز جمعه دوم آبان ۱۳۸۲ در منزل مهندس نظام‌الدین موحد تشکیل شد. این پلنوم تا ساعات آخر شب ادامه داشت. ۸۱ نفر از اعضای پلنوم در جلسه حضور پیدا کردند. ابتدا انتخاب اعضای هیئت‌رئیس به پلنوم صورت پذیرفت. آقای ادیب برومند به عنوان رئیس پلنوم و آقایان مهندس نظام‌الدین موحد و تیمسار ناصر فریدبه‌عنوان نواب رئیس و بانوفرشید افشار و آقای دکتر عباسعلی صحافیان به عنوان منشی هیئت‌رئیس انتخاب شدند. بالاخره انتخابات برای انتخاب اعضای شورای مرکزی به صورت کتبی و مخفی به عمل آمد و سی‌وشش نفر اعضای شورای جدید جبهه ملی ایران پس از کنگره سال ۱۳۴۱ انتخاب شدند. آقای ادیب برومند در اواخر اسفند ۱۳۹۵ به رحمت ایزدی پیوستند. بعد از درگذشت ایشان به فاصله کمی آقایان مهندس امیرانتظام و حسین شاه‌حسینی نیز مرحوم شدند. ولی هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران کار اداره جبهه را از لحاظ تشکیلاتی و سیاسی انجام می‌داد. تا مدتی جلسات شورای مرکزی که هر دو هفته یک بار تشکیل می‌شد، برای انتخابات داخلی، اکثریت لازم میتینگ و راهپیمایی را لغونمایند و آقای دکتر سنجدلی پاسخ داده که اولاً ما از چندین روز قبل به وزارت کشور نامه نوشته‌ و در خواست مجوز کرده‌ایم و از مردم دعوت نموده‌ایم و حالا چگونه می‌توانیم دعوت را لغو کنیم و ثانیاً چطور می‌توانیم لغو شدن را به اطلاع مردم برسانیم. آقای احمد خمینی پاسخ داده بود که شما اطلاعیه لغو را ننویسید و به من بدهید ما می‌دهیم به رادیو و تلویزیون چندین بار بخوانند و مردم را از لغو مراسم باخبر کنند. اگر شما مراسم را لغو نکنید با شمار خورد خواهد شد. دکتر سنجدلی در جواب آقای احمد خمینی گفته بود که تصمیم به برگزاری میتینگ و راهپیمایی در جمع هیئت رهبری و هیئت اجرائیه جبهه ملی گرفته شده و من به تنهایی نمی‌توانم این تصمیم را لغو نمایم. در آن جمع ۱۰ نفره هیچ‌کس با لغو شدن میتینگ و راهپیمایی موافقت نکرد